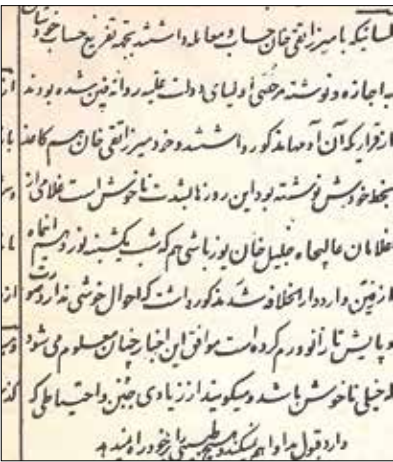


وقایع اتفاقیه علیه امریکیر

یکی از اقدامات مهم امریکیر در مسیر اصلاحات، تأسیس روزنامه وقایع‌اتفاقیه بود؛ روزنامه‌ای که قرار بود برای جامعه آن زمان ایران روشنگری کند اما پس از قتل امریکیر، در دست همه‌های باییت دست به تحریف تاریخ زد که اولین نمونه آن پاک کردن قتل خود امریکیر بود. میرزا تقی خان امریکیر در شماره نخست وقایع‌اتفاقیه در ۵ربیع‌الثانی ۱۲۶۷ ه‍.ق، اهداف خود را از انتشار این روزنامه این‌گونه آورد: «... مصروف تربیت اهل ایران و استحضار و آگاهی آنها از امورات داخله و وقایع خارجه است لهذا قرار شد، هفته به هفته اخبار داخله مملکتی و ...راکه در دول دیگر گارت می‌نماید در دارالطباعه دولتی زده شود و به کل شهرهای ایران منتشر گردد که اهالی ممالک ایران نیز در هر هفته از احکام دارالخلافه مبارکه و ... اطلاع حاصل نمایند و از جمله محسنات این گارت یکی آن که سبب دانایی و بینایی اهالی این دولت علیه است، دیگر این‌که اخبار کاذبه اراجیف که گاهی برخلاف احکام دیوانی و حقیقت حال در بعضی از شهرها و سرحدات ایران پیش از این باعث اشتباه عوام این مملکت می‌شد، بعد از این به واسطه روزنامه‌چ موقوف خواهد شد...».



نکته جالب این‌که با وجود اهمیت اخبار شفاف و صحیح که امریکیر از همان شماره اول برآن تأکید کرد، پس از مرگ او و صدراعظمی میرزاآقاخان نوری، اولین خبر کذب درخصوص درگذشت او در همین نشریه منتشر شد و به این ترتیب نشریه‌ای که امریکیر با هدف روشنگری و ارتقای سطح آگاهی جامعه آن زمان ایران راه‌اندازی کرده بود، پس از قتل او روایت تحریف‌شده‌ای از این اتفاق منتشر کرد تا نخستین گام‌ها برای کنارگذاشتن رسالت آگاه‌بخشی که میراث امریکیر بود، برداشته شود. خبری که مطمئناً در تلاش برای فریب افکار عمومی، تلاش برای پاک کردن رد پای مقصران حادثه، ایجاد تفسیر جدید درخصوص مرگ امریکیر و در سطحی عمیق‌تر، حذف رد پای بایی‌ها در جریان قتل صدراعظم ایران انجام گرفت. قتل میرزا محمد تقی خان امیر کبیر روز ۱۷ربیع‌الاول ۱۲۶۸ هجری قمری روی داد. شش روز بعد روزنامه وقایع‌اتفاقیه در ۲۳ربیع‌الاول ۱۲۶۸ از خبری در سده آماده سازی افکار عمومی برای پذیرش این رویداد ابرامد. در این خبر آمده است: «کسانی که با میرزاتقی خان حساب و معامله داشتند به‌جهت تفریغ حساب خودشان، به اجازه و نوشته مرخصی اولیای دولت علیه روانه «فین» شده بودند، از قراری که آن آدم‌ها مذکور داشتند و خود میرزاتقی خان هم کاغذ به خط خودش نوشته بود، این روزها به‌شد ناخوش است. غلامی از غلامان عالیجاه «جلیل خان یوزباشی» هم که شب یکشنبه ۱۹ این ماه از فین وارد دارالخلافه شدند، مذکور داشت که [امیر] احوال خوشی ندارد و صورت و پایش تازانو ورم کرده است، موافق این اخبار چنین معلوم می‌شود که خیلی ناخوش باشد و می‌گویند از زیادی جبن و احتیاطی که دارد، قبول مداوا هم نمی‌کند و هیچ طبیبی را بر خود راه نمی‌دهد، از وخامت حال امیر و ناخوشی» او به دلیل «ورم پا و صورت» داد و نه‌پایتا. ۲۰ روز بعد از قتل او به‌صورت کوتاه نوشت میرزاتقی خان هجدهم ربیع‌الاول در کاشان وفات یافته است، مدتی بعد همین روزنامه وقایع‌اتفاقیه در پنجشنبه هفتم ربیع‌الثانی سنه ۱۲۶۸ یعنی ۲۰ روز بعد از واقعه قتل، متن کوتاه زیر را اعلام می‌کند: «...میرزاتقی خان که سابقاًمیر نظام و شخص اول این دولت بود، شب شنبه هجدهم ماه ربیع‌الاول در کاشان وفات یافته است...».

مصطفی رحماندوست

و جایزه

«مرغک»

حامد علامتی، مدیرعامل کانون پرورش فکری در حکمی مصطفی رحماندوست، شاعر و نویسنده کودکان و نوجوانان را به‌عنوان دبیر جایزه مرغک (جایزه کتاب ماه و سال کودک و نوجوان) منصوب کرد. وی در این حکم به شایستگی‌ها، سوابق و تجربه‌های ارزشمند رحماندوست اشاره کرده و برگزاری این رویداد را فرصت ارزشمندی دانسته‌است که علاوه بر ارزیابی دقیق و کارشناسی کتاب‌های حوزه کودک و نوجوان، امکان معرفی و

ردپاهایی که باید دیده شود

در میان دشمنان و بدخواهان امریکیر یک نام از دیگران پررنگ‌تر و برجسته‌تر است: بایی‌ها، همان کسانی‌که عبدا... شهپازی در «جستاری از تاریخ بیهایی‌گری در ایران» نام آنها را مترادف با تروریسم می‌خواند. برای پی‌بردن به زوایای مختلف حادثه‌ناگوار قتل امریکیر، سرخ‌ها را باید از اولین روزهای پادشاهی ناصرالدین‌شاه جمع‌آوری کرد. همان روزهایی که پیشوایان بایی یا سوءاستفاده از مرگ محمدشاه در شهرهای مختلف از جمله خراسان، مازندران، زنجان و ... دست به شورش و ناامنی زدند تا خاندان قاجار را خلع‌ید و حکومت را تصاحب کنند. این شورش‌ها به‌حدی خصمانه و خشن بود که فریدون آدمیت در کتاب امریکیر و ایران در وصف آن می‌نویسد: «بایی‌ها در جریان شورش‌های خود در دوران ناصری، با مردم و نیروهای دولتی رفتاری سبانه داشتند و اسیران جنگی را دست و پا می‌پریدند و به آتش می‌سوختند،»

در چنین روزگاری، امریکیر به صدرات رسید. او برای مقابله با این فرقه انحرافی دو سیاست سرکوب مستقیم و قداست‌زدایی را درپیش گرفت. در سرکوب مستقیم، بعد از مقابله مستقیم و جنگ میان دولت و طرفداران باب، بسیاری از باییان به‌خصوص رهبران آن را کشت. در سیاست قداست‌زدایی نیز امریکیر بدون مقابله مستقیم تلاش کرد تا مردم افکار واقعی این فرقه را درک کنند.

با این اقدامات امریکیر توانست ریشه باییت را از همان آغازین سال‌های فعالیت بخشکند و اگر او نبود، بی‌شک همان‌گونه که نوالدین چهاردهی، پژوهنده تاریخ باب و بهاء عنوان می‌کند: «از بزرگان اولی‌ها و بهائیان‌ها شنیده‌است که ...اگر... امریکیر نبود، مسلمانا به مقصود خود می‌رسیدند.»

با کشته شدن باب، دشمنی بایی‌ها که تا رسیدن به سلطنت چند قدم بیشتر راه نمی‌دیدند، با ناصرالدین‌شاه که در میان هم‌کیشان به او لقب «امویه سفیانیه» دادند و امریکیر که او را «امیر شقی» می‌خواندند، شروع شد. در نگاه بایی‌ها میرزا تقی خان و ناصرالدین‌شاه در درجه اولی از نفرت و لعن قرار داشتند. به همین دلیل ترور سیاسی آنها در دستور کار بایی‌ها قرار گرفت.

اولین ترور به نام امریکیر افتاد. آنها از اختلافات دربار سوءاستفاده کردند و در اولین گام، تلاش کردند بین شاه و امیر اختلاف بیاندازند. مهره اصلی آنها در این مسیر، میرزا آقاخان نوری بود که از دوران محمدشاه با مهدعلیا سر و یِز پنهانی داشت و قرار بود با به حکومت رسیدن ناصرالدین‌شاه صدراعظم شود. میرزا آقاخان نوری با بها ارتباط بسیار تنگاتنگی داشت و زمانی که در دوران محمدشاه، آقاخان توسط میرزا آقاسی تنبیه بدنی، تبعید و جریمه مالی شد، بهاء صورت «داد و نه‌پایتا، ۲۰ روز بعد از قتل او به صورت کوتاه نوشت که میرزا تقی خان هجدهم ربیع‌الاول در کاشان، وفات یافته است.

این ارتباط از دوران پدران شان شروع شده بود و در دوران امریکیر قوت گرفت. بایی‌ها که در تلاش برای انتقام بودند از قدرت آقاخان نوری که به دنبال صدرات به هر دری می‌زد، استفاده کردند و نتیجه‌اش عزل امریکیر از صدرات و تبعید او به کاشان شد. عباس امانت در کتاب قیله عام می‌نویسد: «...از نامه سلیمان خان تبریزی (از عناصر مهم باییه) پس از تبعید امریکیر به کاشان خطاب به سیدجواد کربلایی (از بزرگان باییه) برمی‌آید که باییان به حکومت میرزا آقاخان خوشبین بودند و صدراتش را مایه پیشرفت کارشان می‌شمردند. سلیمان خان می‌نویسد: «امیرنظام بجمدا... تمام شد، معزول ابدی گردید. الان در باغ فین کاشان محبوس است. میرزاآقاخان اعتمادالدوله، وزیر و صدراعظم گردید. ان‌شاء...! امورات بهترنظم خواهدگرفت. البته جناب ایشان باید خیلی زودتشریف‌فرما شوند که وجود مبارک ایشان ممر ثمر اُست.»

بایی‌ها که کینه شدیدی از امریکیر داشتند به تبعید قانع نشدند و با سوءاستفاده از مثلث شکل گرفته - مهدعلیا، آقاخان نوری و بها - نقشه ترور امریکیر را طراحی و عملی کردند.

پاک کردن ردپای باییه در همه امور

با عزل و قتل امریکیر، راه برای تاخت و تاز مجدد باییان باز شد و میدان را تا آنجا برای پیشبرد اهداف خود فراهم دیدند که تا مرز ترور (نافرجام) شاه نیز پیش رفتند.

روز ۸ شوال ۱۲۶۸ هنگامی که ناصرالدین‌شاه از کاخ ییلاقی نیاوران عازم شکار بود، گروهی از بایی‌ها به رهبری ملاشخب‌علی ترضیری که

حمایت از آثار فاخر و هویت‌بخش این حوزه را فراهم می‌سازد. او همچنین در این حکم اظهار امیدواری کرده‌است با بهره‌مندی از ظرفیت‌های عظیم دانش و تجربه گرانسنگ نویسندگان، شاعران و ناشران کتاب و توجه به ارزش‌های فرهنگ اصیل ایرانی و اسلامی و ملاحظه سیاست‌ها و جایگاه فرهنگی کانون، در مسیر اجرای برنامه‌های شورای سیاست‌گذاری این رویداد و جریان‌سازی و اعتلای آثار ادبی حوزه کودک و نوجوان گام‌های

که یکی از پیروان برجسته باب بود و از سوی او لقب اسم...! العظیم داشت، عریضه به دست، به موکب شاه نزدیک شدند و سه تیر به سمت او شلیک کردند که تیر دوم شاه را مجروح کرد. با این اقدام، شاه فرمان قتل عام بایی‌ها را صادر کرد و بسیاری از بایی‌ها اعدام شدند. سیدمقداد نبوی رضوی در کتاب مقدمه‌ای تاریخی بر اندیشه اصلاح دین در ایران می‌نویسد: «پس از این واقعه، آغاز سنت نهان‌زیستی و کنمان عقیده در میان آنها شروع شد»، هرچند در کنار این خفیه‌کاری‌ها، ترورهای سیاه این گروه تا رسیدن به هدف دوم‌شان یعنی ترور ناصرالدین‌شاه توسط میرزای کرمانی ادامه داشت.

دکتر حسین آبادیان، استاد دانشگاه و نویسنده و پژوهشگر تاریخ معاصر ایران می‌نویسد: «ترورهای نافرجام ناصرالدین‌شاه توسط باییان دلیلی جز این نداشت که در زمان او نه‌تنها سید علی محمد باب، بلکه پیروان او، موسوم به حروف حی هم اعدام شدند و بالاتر این‌که جنبش‌های باییان در شهرهای مشهد، بابل، تبریز، زنجان، قلعه شیخ طبرسی و سایر نقاط سرکوب شد. این سرکوب‌ها در دوره صدرات امریکیر روی داد و به همین دلیل نه‌تنها باییان آن زمان، بلکه بهائیان بعدی هم با امریکیر میانه‌ای نداشتند. در دوره‌های بعدی جنبش باب به دو بخش تقسیم شد یکی ازبایان و دیگری بهائیان. بهائیان به صراحت نه‌تنها از ترور استفاده نمی‌کردند، بلکه به روایت پیشوای شان عبداللها، حتی از دخالت در مسائل سیاسی هم برحذر داشته می‌شدند. یکی از کلمات مکتونه عبداللها این است که «امرقطعی الهی این است که در سیاست دخالت نکنی واین هیچ تفسیری ندارد و تأویل بر نمی‌دارد.» اما پیروان میرزاییخی صبح ازل، معروف به ازلی‌ها به‌ظاهر با ترور مخالفتی نداشتند. کمالین‌که عبداللها ترور ناصرالدین‌شاه را به آنها نسبت می‌دهد.»

با این روند پیرونده، گرچه هنوز سندی قطعی درباره دخالت بایی‌ها در قتل امریکیر وجود ندارد اما با در کنار هم قرار دادن قرائن و شواهد، این فرضیه تقویت می‌شود که اعدام علی‌محمد باب، زمینه را برای برکناری امریکیر از صدرات و سپس به قتل رسیدن وی فراهم کرده است.

تحریف از ابتدا: قتل امریکیر چگونه به اطلاع عموم رسید؟

نکته بسیار مهم در خفیه‌کاری بایی‌ها و تلاش برای حذف ردپای خود در تاریخ را می‌توان به خوبی در اعلام درگذشت امریکیر در روزنامه وقایع‌اتفاقیه دید. قتل میرزا محمدتقی‌خان امریکیر روز ۱۷ ربیع‌الاول ۱۲۶۸ هجری قمری روی داد. شش روز بعد، روزنامه «وقایع اتفاقیه» در تاریخ ۲۳ ربیع‌الاول ۱۲۶۸ خبر از وخامت حال امیر و «ناخوشی» او به دلیل «ورم پا و صورت» داد و نه‌پایتا، ۲۰ روز بعد از قتل او به صورت کوتاه نوشت که میرزا تقی خان هجدهم ربیع‌الاول در کاشان، وفات یافته است.

جای خالی پرورنده قتل امریکیر در قالب تصویر و صحنه

این‌که در هنر تئاتر و سینما یا دراماتیزه کردن وقایع، باید تلاش شود که اثری جذاب برای مخاطب ساخته شود و نمی‌توان انتظار داشت که با روایات خشک و صرفاً تاریخی، نظر مخاطب را به فیلم، سریال یا نمایشی جلب کرد. گرافه نیست اما این کار با قلب وقایع تاریخی تفاوت زیادی دارد. انحراف افکار عمومی از اصل وقایع تاریخی را تحریف می‌گویند! تاریخ‌دانان معتقدند که نباید براساس ذهنیات و عقاید خود تاریخ را تحلیل کرد، بلکه باید بر مبنای رویداد‌های تاریخی به ارزیابی آنها پرداخت. موضوعی که به آن‌گونه که باید، موردتوجه هنرمندان نبوده است و با نگاهی به آثار، چنین به نظر می‌رسد فهم تاریخی از ماجرای ترور امریکیر و در ادامه آن ترور ناصرالدین‌شاه به‌دلیل مختلف از جمله کتابی‌ها، تحریفات، سوء تعبیر‌ها و بازنمایی‌های یک‌سویه و جانبدارانه و ... به عنوان ابزار تحریف رنج می‌برد. این در حالی است که در سایه بازنگری تاریخی و کاوش‌های پژوهشی دقیقی که در سال‌های اخیر روی جنبش‌های



مؤثر بر داشته‌شود. جایزه مرغک از سوی کانون پرورش فکری و با هدف ایجاد بستر مناسب برای ترویج فرهنگ کتاب و کتابخوانی و معرفی کتاب‌های برگزیده حوزه کودک و نوجوان و حمایت از ناشران این حوزه برگزار می‌شود. مصطفی رحماندوست نویسنده، شاعر و مترجم ایرانی است که در زمینه ادبیات کودکان و نوجوانان فعالیت می‌کند. یکی از مشهورترین اشعار او شعر «صد دانه قافوت» است که در کتاب‌های درسی منتشر شده‌بود. / ایسنا

نگاهی به مدیریت تحریف یک

چه کسی امیر

«میرزا محمد تقی خان فراهانی» مشهور به امریکیر از چهره‌هایی مطرح تاریخ ایران است که همواره در حافظه جمعی مردم باقی خواهد ماند. صدراعظمی که در دوره صدرات سه سال و سه ماهه خود، اصلاحات بنیادی در زمینه‌های آموزش، سیاسی، امنیتی، مالی، اقتصادی و فرهنگی را آغاز کرد و با پایان دادن به شورش‌ها، کاهش نفوذ ذو‌خالت بیگانگان اعم از روس و انگلیس، کنترل بر اعمال و رفتار دیوانیان، شاهزادگان، خاندان سلطنت، رجال و صاحبان قدرت، ریشه‌کن کردن بسیاری از مفاسد اداری و مالی و از همه مهم‌تر مبارزه با انحرافات دینی و سرکوب فرقه‌هایی چون باییت؛ در اداره امور کشور، نظمی نو پدید آورد. نظمی که در دل آن سال‌ها تلاش خستگی ناپذیر، اصلاح، پیشرفت، لیاقت و شایستگی نهفته است. او پسر یک آشپز معمولی از هزاوه اراک است که با واسطه هوش و دکاوتی که از خود نشان داد به دومین مقام کشور رسید.

توجه به زندگی و سرنوشت پرفراز و نشیب از کودکی تا جوانی و در ادامه آن عملکردش در اداره کشور، تکاپو برای خلع ید بیگانگان، دیوانیان سود جو و حتی اطرافیان شاه و صدها اقدام ارزشمندی که در مسیر ارتقای کشور انجام داد، به اندازه‌ای دراماتیک و جذاب است که نه فقط



علی‌رحیمی
آگروه فرهنگ و هنر

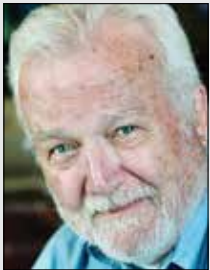
سیاسی - اجتماعی عصر قاجار (به‌ویژه فرقه باییه و نقش آن در ماجرای مشروطیت) صورت گرفته است، پرده از نقشه‌های خطرناک این فرقه تا حدی کنار رفته و موضوعی که به نظر می‌رسد در قاب تصویر و صحنه که از ابزار مهم جهت‌دهی به افکار عمومی است، بدان توجه جدی نمی‌شود و حتی با این بهانه که تخیل در درام کمک‌کننده است، زمینه انحراف یک واقعه تاریخی را فراهم کند.

امریکیر در قاب تصویر ایران

امریکیر در عرصه هنر، به خاطر برخی سختگیری‌ها و تمیزهای حاکم، دیرتر از سایر چهره‌های تاریخ ایران در قالب سینما و تلویزیون و حتی در عرصه ادبیات وارد می‌شود. اولین بار سال ۱۳۵۴ بود که علی حاتمى در سریالی ۱۲ قسمتی با نام «سلطان صاحبقران» چهره او

یادمان

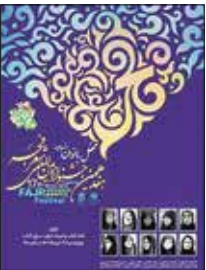
درگذشت «راسل بنکس» نویسنده معروف



راسل بنکس، نویسنده رمان‌هایی چون «رنج» و «آخرت شیرین»، در ۸۲ سالگی درگذشت. بنکس که استاد بازنشسته دانشگاه پرینستون بود، در حالی در شمال ایالت نیویورک درگذشت که سال‌ها تحت درمان بیماری سرطان بود. جویس کارول اوتس، نویسنده مطرح آمریکایی در توئیتر از «بنکس» به‌عنوان یک نویسنده بزرگ و دوست محبوب یاد کرد و گفت: «او در آرامش در خانه خود درگذشت.» اوتس گفت: «راسل، استعداد فوق‌العاده و قلب بزرگوارش را دوست داشتم. رمان کلوداسپلیتر شاهکار او بود اما همه کارهای او استثنایی است.»
جاه‌طلبانه‌ترین رمان او cloudsplitter نام داشت؛ روایتی ۷۵۰ صفحه‌ای از جان براون وتلاش او برای خلاصی از کشور از برده‌داری. «راسل بنکس» در سال ۱۹۹۹ برای نگارش این رمان به جمع نامزدهای نهایی جایزه پولیتزر راه یافت و ۱۳ سال قبل از آن هم برای رمان «جاییابی قاره‌ای»، نامزد این جایزه شده بود. از دیگر افتخارات او می‌توان به جایزه کتاب انیسفلد و عضویت در آکادمی هنر و ادبیات آمریکا اشاره کرد. / ایسنا

محفل

شعرخوانی زنان شاعر در سرای کتاب



است و قصد دارد دومین محفل هفدهمین جشنواره بین‌المللی شعر فجر را با عنوان «محفل شعر بانوان» فردا چهارشنبه، ۲۱ دی برگزار کند.

در این محفل، افسانه غیاثوند، راضیه جبه‌داری، رباب کلامی، عالیه مهرابی، نفیسه سادات موسوی، لیلا کردبیچه، نغمه مستشار نظامی، فریبا یوسفی، فاطمه نانی‌زاد و عاطفه جوشقیانان شعر می‌خوانند. علاقه‌مندان می‌توانند برای شنیدن اشعار شاعران این محفل به صفحه آیارات خانه‌کتاب و ادبیات ایران به نشانی aparat.com/khaneketab/live مراجعه کنند. همچنین این محفل از تلویزیون اینترنتی کتاب به نشانی ketab.tv پخش خواهد‌شد. این محفل، ساعت ۱۸ در سرای کتاب خانه‌کتاب و ادبیات ایران به نشانی خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان‌های فلسطین و شهید برادران مظفرجنوبی، پلاک ۱۰، ۸۰، طبقه منهای یک برگزار می‌شود. / هنرآنلاین

قاب

خانه موزه امریکیر

در هزاوه

شاید کمتر کسی بداند که زادگاه و منزل تاریخی میرزاتقی‌خان امریکیر، شخصیت بزرگ و نام‌آور تاریخ سرزمین ایران، در روستای هزاوه از توابع شهرستان اراک واقع شده است. این بنای تاریخی با وسعت ۸۱۵ مترمربع و زیربنای ۶۴۵ مترمربع در دو طبقه است که قدمت آن به دوره قاجار می‌رسد. طبقه نخست این بنا دارای سقف سیزی قوس‌دار قدیمی و دیوارهای خشت و گلی و طبقه دوم دارای سقف تیر چوبی است. گفتنی است این بنای تاریخی در سال ۸۹ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده است.

